

## دو پژوهش درباره منطقه قدیمی قصران

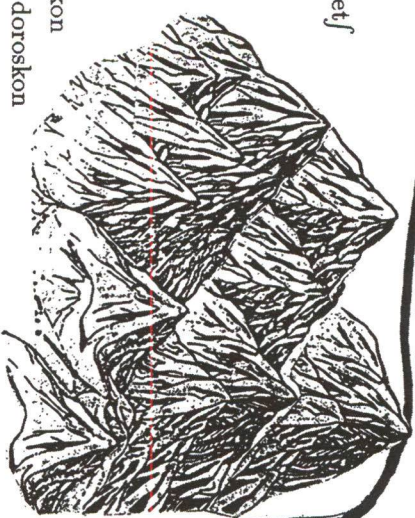
پس از آنکه ۲۳ سال پیش ساکنان لواسان شدم بسیار زود پی بردم که ساکنان بومی آن «زبانی محلی» دارند که بین خود با آن صحبت می‌کنند. نام آن را پرسیدم، گفتند گیلکی<sup>۱</sup> است. سخت تعجب کردم که اولاً چگونه در سی کیلومتری تهران به گیلکی سخن می‌گویند، و ثانیاً چطور تاکنون کسی اشاره‌ای به آن نکرده است. سعی کردم از چند و چون آن آگاه شوم. دوستی، کتاب قصران،<sup>۲</sup> اثر استاد فقید دکتر حسین کریمان را به من معرفی کرد. کتاب را که باز کردم خود را با دنیایی روبه‌رو دیدم. کتابی بی‌نهایت دانشمندانه و مملو از اطلاعاتی دقیق و بسیار مفصل درباره این منطقه قدیمی، یعنی قصران: اطلاعاتی راجع به جغرافیا، تاریخ، مذهب، بناها، رجال، اقتصاد و زبان این منطقه، همراه با نقشه و عکس و واژه‌نامه‌ای از روستای آهار. سخت علاقه‌مند شدم که راه استاد فقید را ادامه دهم، و اطلاعاتی بیشتر راجع به زبان این منطقه گردآوری کنم. نتیجه این تصمیم، تألیف دو کتابی بود که در پایین به آنها اشاره می‌کنم.

پیش از هر چیز باید گفت که قصران ناحیه‌ای قدیمی است، و آنچه امروز «رودبار قصران» نامیده می‌شود بخش بسیار کوچکی از آن است. قصران قدیمی از شمال به مازندران، از جنوب به ری، از مغرب به کرج و طالقان، و از مشرق به لار و دماوند محدود می‌شده است، و از قرن دوم هجری به بعد در نوشته‌ها از آن به همین نام یاد شده است. قصران دارای دو بخش بوده است: قصران داخل (امروزه شامل لواسانات، رودبار قصران، شهرستانک...)، و قصران خارج (امروزه شامل شمیرانات، تهران...). نفوذ گویش مازندرانی به این ناحیه، به گفته مرحوم کریمان، به قرون سوم

۱. بعد معلوم شد که از اصل مازندرانی است.

۲. تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶.

# بیز



ب. baped3

الف. baped3

ب. baped3

ت. baped3

د. baped3

ث. bapedz3

ج. baped3

ح. xarkon

ز. barson

ر. xarkon

س. barson

ش. darenge

ط. doroskon

ظ. doroskon

ض. barson

ص. barson

ک. doroskon

گ. dorosbakon

م. bepaz

ن. bapaz

ع. barsun

ف. barsun

ث. در بندسر

ت. بیلیک

ج. لالان

ح. شنستان

خ. گرما بدر

د. شهرستانک

ذ. آهار

ر. میگون

ز. روته

ژ. نقشم

س. اوشان

ش. ائامه

ص. رودک

ض. ناصرآباد

ط. کذبالا

ع. تک مزرعه

غ. بچار کلا

ف. سسو بزرگ

ق. نیک نام ده

ک. لوسان بزرگ

گ. ایرا

ل. آردینه

م. بل جاجرود

ن. باغ کش

و. واصف جان

ه. وسکاره

اطلس گویش شناختی قصران داخل  
شماره: ۳۰۲  
واژه: بیز  
پربش: خانم، امروز برای بهار یک  
آبگرفت خوب...  
برگرفته از نقشه تریسمی حسین کریمیان

و چهارم هجری برمی‌گردد که در زمان علویان و آل زیار و آل بویه، دیلمی‌ها در آن راه یافتند و زبان خود را وارد آن کردند. استاد، زبان این ناحیه را در قدیم آمیزه‌ای از پهلوی رازی و مازندرانی با عناصری از عربی و ترکی می‌داند که امروز صورت تحول یافته آن در منطقه رواج دارد. همان طور که استاد می‌گوید و کاملاً هم مشهود است هر چه از شمال به جنوب این ناحیه نزدیک‌تر شویم از میزان تأثیر زبان مازندرانی کمتر می‌شود، به طوری که در جنوب آن کم و بیش به تهرانی سخن گفته می‌شود.

پژوهش اول خود را که اخیراً با نام بررسی خرده‌گوشه‌های منطقه قصران به انضمام واژه‌نامه قصرانی<sup>۱</sup> از چاپ بیرون آمده است بر پایه نقشه ترسیمی مرحوم کریمان استوار کردم، و برای انجام آن از کمک مالی معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی بهره‌مند شدم. منظور از «خرده‌گوش» زبانی است که در محدوده روستا به کار می‌رود. از ابتدا تصمیم داشتم که در این پژوهش دستگاههای زبانی قصران را مطالعه کنم و واژه‌نامه‌ای برای آن تهیه نمایم.

کار را با مصاحبه با گویشوران ناحیه آغاز کردم: به روستاهای مختلف می‌رفتم و از گویشور می‌خواستم که به مدت یک ساعت راجع به هر موضوعی که مایل است صحبت کند و آن را ضبط می‌کردم. در حین این کار مطالب زیادی راجع به روستاها و روستائیان این ناحیه آموختم: به غیر از زبانشان که خاص خود است، آداب و رسوم خاص دارند، غذاهای خاص دارند، بازیهای خاص دارند... البته ضبط و ثبت این مسائل با زبان‌شناس نیست، و جای مردم‌شناسان را در این ناحیه بسیار خالی دیدم. همچنین متوجه شدم که تعدادی از روستائیان آن نواحی که به شهر دورند در تهران هم خانه‌ای دارند که زمستان را در آن می‌گذرانند، و این راه حل را از این نظر انتخاب کرده‌اند که به بیمارستان و پزشک و دارو نزدیک‌تر باشند و بچه‌هایشان بتوانند به راحتی به دبیرستان و دانشگاه بروند. البته تابستانها هم برای استفاده از خنکی هوا و جمع کردن محصولات زمینشان به روستا برمی‌گردند. زبان خود را هم نسبت به زبان شهری در موقعیت ضعیف می‌بینند و همان طور که قبلاً گفته‌ام در مصاحبه‌ای به من اعتراض کردند که چرا به حفظ این زبان که وسیله‌ای بازدارنده است کمک می‌کنم. مطلب دیگری که معلوم شد این است که آبادیهای بسیاری دیگر سکنه بومی ندارند و به جای آنها مردمان ترک، لر، افغانی و عرب و غیره در آنها ساکن شده‌اند. بقیه کار ضبط را دانشجویانم و عمدتاً قربانعلی خداپنده انجام داد، و در مجموع زبان ۱۰۰ روستا ضبط شد. سپس آوانویسی و مطالعه محتویات نوارها آغاز شد، و بر اساس آنها دستگاههای آوایی، دستوری و واژگانی زبان این ناحیه استخراج و واژه‌نامه‌ای برای آن تهیه شد. در ضمن بخشهایی از این نوارها هم ترجمه شد تا همراه با آوانویسی مربوط به آنها در کتاب بیاید تا اگر بعد از این پژوهشگری بخواد مطالعات بیشتری راجع به دستگاههای زبانی این خرده‌گوشها انجام دهد مواد کار لازم را داشته

باشد. در عین حال مطالبی که روستائیان در این بخشها گفته‌اند جزئیاتی را دربارهٔ زندگی‌شان در گذشته و حال به اطلاع می‌رساند که برای علاقه‌مندان به مسائل این روستاها قابل توجه است. در امر آوانویسی و ترجمهٔ نوارها و تهیهٔ واژه‌نامه یکی دیگر از دانشجویانم، فاطمهٔ کیادربندسری که خود ساکن ناحیه است نقش بسیار بزرگی داشته است. در زیر چند جمله‌ای از این گفته‌ها را می‌آورم:

گرما بدر: xab vejna tʃeti akerdan pas?

(خاب وین چتی آکردن پس) خوب، پس چه باید کرد؟

آمامه: esa qufun un daʃdi dela tʃador baza assa.

(اسا قوشون اون دَشدی دل چادر بَر آس) حالا قشون هم داخل دشت چادر زده است.

دولاب: ina 'ijala ki dara?

(این ایبال کی دَر) این بچه کیست؟

کن: pej harfe babat mifu.

(پی حرفِ بابات میشو) به حرفِ پدرت گوش بده.

یکی از فواید کندوکاو در گویشها و خرده‌گویشها — همان طور که مرحوم کریمان گفته است — دستیابی به واژه‌های اصیل و قدیمی فارسی است که به علت تحول زبان در فارسی امروزه متروک شده‌اند. این واژه‌ها را می‌توان بیرون کشید و به واژگان امروزی افزود. چند مثال از قصران می‌دهم:

poewzar (پوزار) کفش

xara (خَر) بزرگ، انبوه

vaheʃdan (واهِشْدَن) گذاشتن

xugar (خوگر) مأنوس

پژوهش دیگری که دربارهٔ منطقهٔ قصران انجام داده‌ام و نتیجهٔ آن را اخیراً به ناشر سپرده‌ام «اطلس زبان‌شناختی قصران داخل» نام دارد که آن را با کمک مالی «دفتر پژوهشهای فرهنگی» انجام داده‌ام. در این کار به همراه اطلس قصران داخل، پرسشنامه‌ای هم برای آنان که بعد از این می‌خواهند بر روی گویشها و خرده‌گویشها کار کنند ارائه کرده‌ام.

منظور از اطلس زبان‌شناختی تهیهٔ نقشه‌ای جغرافیائی — زبانی از هر واژه است؛ یعنی ابتدا تعیین اینکه در یک ناحیه برای یک کلمهٔ خاص چه واژه‌ها و تلفظهایی در آبادیهای مختلف وجود دارد، و سپس بردن این واژه‌ها بر روی نقشهٔ این ناحیه. چنین اطلسی تصویر کاملی از گوناگونی

کاربرد برای هر یک از واژه‌های زبان به دست می‌دهد و ما را از مهاجرت‌ها، اختلاط گروه‌های زبانی، مسائل اجتماعی - اقتصادی یک ناحیه ... آگاه می‌کند.

از آغاز کار تصمیم گرفتیم ابتدا به طور آزمایشی اطلسی فقط از قصران داخل تهیه کنیم. علت انتخاب دوبارهٔ قصران این بود که دیگر با آن ناحیه کاملاً آشنا بودم، و انحصار دادن کار به قصران داخل هم عمدتاً از این جهت بود که پژوهش قبلی نشان داده بود که در قصران خارج - که تهران بخش عمدهٔ آن است - امید به یافتن گویشورانی که با لهجهٔ قصرانی آشنا باشند بسیار اندک است. پرسشنامه‌ای که آماده داشتم شامل ۱۱۰۰ واژه و جمله بود، ولی بهتر دیدم که تعدادی از آنها، مثلاً ۳۰۰ تای آنها را برای این کار آزمایشی انتخاب کنم. پس واژه‌های اساسی‌تر و مربوط به زندگی روزمره و کشاورزی و دامداری را برگزیدم. کار مصاحبه را شخصاً انجام دادم. آوانویسی‌ها را شاگردانم انجام می‌دادند و من آنها را تصحیح می‌کردم. نقشهٔ قصران داخل هم که آماده بود، پس تلفظ هر آبادی را در محل آن روی نقشه قرار می‌دادیم. این کار را دانشجو حسین کسایی انجام می‌داد. و بدین ترتیب اطلس قصران داخل به دست آمد. برای نمونه، نقشهٔ فعلِ امرِ «بپز» را ببینید:

دکتر گیتی دیهیم

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی